

## الطاف ویژه الهی بر بندگان

### اشاره

رحمت خداوند بر عذاب او، ارجحیت دارد؛ از این رو حسابرسی خدا نسبت به اعمال و کردار ما با نگاه رحمانیت الهی است؛ چرا که اگر بنا بر حسابرسی دقیق و در اصطلاح مو از ماست کشیدن باشد، بسیاری از ما کم می‌آوریم. بنابراین ورود بسیاری از مردم به بهشت و نجاتشان از آتش جهنم، به فضل خدا و لطف اوست. خدا یک فضل عام دارد که در دعا نیز او را با همین ویژگی می‌خوانیم: «يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ»<sup>۱</sup> «ای کسی که فضلش فراگیر و گسترده است». یا در دعای دیگری می‌خوانیم: «يَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ»<sup>۲</sup> «ای کسی که فضلش بر خلق، دائمی است». این فضل خدا، عام است و شامل همه موجودات می‌شود؛ مانند استفاده از هوا، آب، اکسیژن و ... . اما خدا لطف دیگری نیز دارد که در آیات و روایات، بر آن تأکید شده و شامل افرادی می‌شود که مؤمن هستند. این لطف خدا، لطف و عنایت ویژه الهی است. این لطف خدا مراحل عالی نیز دارد که بسیاری از افراد نمی‌توانند این مراحل را با عمل طی کنند. از آنجا که بنا بر آیه شریفه «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»<sup>۳</sup> انسان آن چیزی را به

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۹۱، ص ۳۹۰.

۲. ابراهیم بن علی عاملی کفعمی؛ المصباح (جنة الامان الواقية)؛ ص ۶۴۷.

۳. نجم: ۳۹.

دست می آورد که برایش تلاش کرده باشد و طی کردن مراحل عالی این مسیر برای به دست آوردن الطاف خاص خدا برای هر کسی ممکن نیست، خداوند راههایی را برای بندگان قرار داده تا بتوانند از فضل خاصش برخوردار شوند؛ راههایی که شاید بتوان آنها را راههای امان ماندن از گرفتار شدن در آتش جهنم نامید. اکنون پنج مورد از این راهها یا همان الطاف خاص را بررسی می کنیم.

### ۱. معجزه نیت

گاهی انسان انگیزه انجام عملی را دارد و دلش می خواهد آن را انجام دهد، اما بنا به دلایلی نمی تواند. خداوند ثواب آن عمل را برای انسان ثبت می کند و او را جزء عاملین آن عمل قرار می دهد. در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «إِنْ سَرَكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا لِمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَقُلْ مَتَى ذَكَرْتَهُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا»<sup>۱</sup> «اگر آرزو داری که ثوابی هم چون ثواب شهدایی که در کنار امام حسین علیه السلام شهید شدند، داشته باشی؛ هر گاه یاد آنان افتادی، بگو: ای کاش با آنان بودم تا رستگار می شدم؛ رستگاری بزرگ».

اگر در مجلس روضه امام حسین علیه السلام هستید یا حتی وقتی کسی را می بینید که به امام سلام می دهد، اگر نیت کنید که کاش با امام و یارانش می بودید، ثواب یاران امام را به شما هم می دهند. این یک نمونه از لطف و عنایت خاص است. درباره زیارت امام حسین علیه السلام چنین روایاتی به وفور وجود دارد.

در روایت دیگری آمده است: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَتَرُدُّ عَلَيْهِ الْحَاجَةُ لِأَخِيهِ فَلَا تَكُونُ عِنْدَهُ، فَيَهْتَمُّ بِهَا قَلْبُهُ، فَيُدْخِلُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِمَّهِ الْجَنَّةَ»<sup>۲</sup> «همانا به مؤمن، حاجت برادرش عرضه می شود و او قادر بر انجام آن نیست، ولی بدان دل می بندد. خدای متعال او را به سبب همتش، به بهشت وارد می کند». گاهی فردی از انسان درخواست کمکی می کند که انجامش ممکن است، اما گاهی درخواست آن فرد در توان انسان نیست. بنا بر این روایت، اگر برای آن درخواستی که در توان آدمی نیست، تلاشی صورت

۱. شیخ صدوق؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۱، ص ۳۰۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۹۶.

بگیرد یا حتی اندوهی در قلب آدمی ایجاد شود، خداوند انسان را به سبب آن تلاش و غصه‌ای که خورده است، به بهشت وارد می‌کند. این همان معجزه نیت است. روای می‌گوید وقتی که امیرالمؤمنین علیه السلام بیت‌المال بصره را فتح کرد، تمام اموالش را میان اصحاب شرکت کننده در جنگ تقسیم کرد و به هر کس ۵۰۰ درهم داد. فردی که در جنگ شرکت نکرده بود خدمت حضرت رسید و گفت: «یا امیرالمؤمنین کُنْتُ شَاهِدًا مَعَكَ وَإِنْ غَابَ عَنْكَ جِسْمِي»؛<sup>۱</sup> یعنی من دوست داشتم که در این جنگ همراه شما باشم، ولی نتوانستم. جسمم با شما نبود، اما قلبم با شما بود. امام ۵۰۰ درهمی را که برای خود برداشته بود، به آن مرد داد. مرد نیت شرکت داشت، امام سهم او را مانند شرکت‌کنندگان داد.

در هر امری که انسان نیت صالح کند، برایش حسنه و ثواب می‌نویسند. در سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر آمده است که حتی هنگام خوردن و خوابیدن هم نیت صالح داشته باشد: «يَا أَبَاذَرٍّ لِيَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ صَالِحَةٌ حَتَّى فِي النَّوْمِ وَالْأَكْلِ»؛<sup>۲</sup> «یا اباذر! بکوش که در هر کار نیت صالح داشته باشی، حتی در خوردن و خواب خود». خواندن سه بار سوره توحید شب‌ها هنگام خواب، ثواب یک ختم قرآن را دارد، با وضو خوابیدن، ثواب تا صبح عبادت کردن را دارد.

شخصی در جنگ جمل، خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد که برادرم دلش می‌خواست با شما در این نبرد باشد، اما شرایط برایش فراهم نشد. امام فرمود: برادرت و همه کسانی که از اصلاب برادرت هستند تا روز قیامت، اگر نیت‌شان همراهی کردن من در جنگ با دشمن باشد، در ثواب این جنگ شریکند. جابر در کنار قبر امام حسین علیه السلام گفت: ما هم با شما در این نبرد شریک هستیم. ابن عطیه آنجا بود، اعتراض کرد که ما روز عاشورا کنار امام نبودیم. مصیبت‌هایی که بر اینها وارد شد، زیر سم اسبان رفتن، سر جدا شدن و ... که بر اینها وارد شد، به ما نرسید؛ چطور ما با آنها شریک هستیم؟ جابر گفت: من از حبیبم رسول‌خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابي الحديد؛ شرح نهج البلاغه؛ ج ۱، ص ۲۵۰.

۲. فضل بن حسن طبرسی؛ مکارم الأخلاق؛ ص ۴۶۴.

«اگر نیت کسی با قومی باشد، در ثواب آنها شریک است». روایات بسیاری وجود دارد که ثواب برخی اعمال انسان را معادل ثواب شهید می‌داند. اینها همه الطاف و عنایات ویژه و خاص الهی است که شامل حال مؤمنان می‌شود؛ زیرا خدا بنده‌هایش را خیلی دوست دارد؛ تا آنجا که دلش می‌خواهد هیچ کس وارد جهنم نشود و همه وارد بهشت بشوند، اما افسوس که بعضی انسان‌ها اسیر شیطان درون و بیرون می‌شوند.

## ۲. عبادت جایگزین

در بسیاری موارد که انسان نمی‌تواند یک عملی را انجام دهد، خداوند عبادت جایگزین برایش مقرر کرده است؛ برای مثال خانم‌ها نمی‌توانند وارد میدان جهاد و قتال شوند تا از ثوابش بهره ببرند. در عوض برایش عبادت جایگزین قرار داده است: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ»<sup>۱</sup>: «جهاد زن خوب شوهرداری کردن است». زن خوب شوهرداری کند، ثواب جهاد را می‌گیرد.

در روایتی آمده است که روزی فقرا خدمت پیامبر ﷺ آمدند و گله کردند که هر چه ثواب است برای افراد ثروتمند است. فرد ثروتمند می‌تواند انفاق کند، حج برود و ...، اما ما نمی‌توانیم و ثوابی هم نمی‌بریم. پیامبر ﷺ به آنها فرمود: «ذکر خدا را زیاد بگویند، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ را زیاد بگویند؛ شما هم در ثواب آن کارهایی که ثروتمندان انجام می‌دهند و شما نمی‌توانید، شریک می‌شوید»<sup>۲</sup>. در جامعه امروز هم همینطور است. گاهی ما از انجام خیلی کارها محروم هستیم؛ مثل زیارت اباعبدالله یا حتی برگزاری مراسم روضه اباعبدالله ﷺ. در روایت آمده است اگر فردی روی پشت‌بام خانه سه مرتبه زیر آسمان بگوید: صلی الله علیک یا اباعبدالله، ثواب زائران امام را برایش ثبت می‌کنند.

## ۳. تأثیر شگرف اعداد

شاید به نظر خیلی عجیب باشد، اما اعداد در اسلام تأثیرات شگرف و عجیبی برای

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۹.

۲. همان؛ ج ۲، ص ۵۰۵.

انسان دارند. برای مثال در روایت آمده است خواندن سه بار سوره توحید، ثواب یک ختم کامل قرآن را دارد. روایت است؛ یعنی سخن معصوم علیه السلام تنها برای دلخوشی ما بیان نشده است. آیا اینکه انسان هنگام خروج از منزل سه بار سوره توحید را بخواند، برایش ثواب یک ختم کامل قرآن را ثبت کنند، بیانگر تأثیر شگرف اعداد نیست؟ اینکه اول، وسط و آخر هر ماه را روزه بگیرد، برایش ثواب سی روز روزه را ثبت کنند، تأثیر شگرف اعداد نیست؟ در کارهای دنیایی نیز همین طور است. نتیجه احیای شب قدر و انجام اعمال پسندیده و راز و نیاز با خدا، ثبت هشتاد و اندی سال عبادت، یعنی به اندازه یک عمر عبادت برای انسان است. این لطف ویژه و خاص الهی است که انجام عملی به تعداد مشخصی که گفته‌اند، ثواب‌های عظیم برای انسان به دنبال دارد.

در روایت آمده است: «مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ»<sup>۱</sup>: «هر کس چهل روز لقمه حلال بخورد، خدا قلبش را نورانی می‌کند». یا در روایت دیگری آمده است: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَجَزَّ اللَّهُ يَتَابِعَ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»<sup>۲</sup>: «کسی که چهل روز خود را برای خدا خالص کند، خداوند متعال چشمه‌های حکمت را از قلب او بر زبانش می‌جوشاند». انسان چهل روز همه اعمال و رفتارش و گفتارش را برای خدا خالص کند و فقط رضایت خدا را در نظر بگیرد، حکمت که به لقمان حکیم داده شود، به او داده می‌شود. حکمتی که خداوند در قرآن آن را خیر کثیر معرفی می‌کند: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»<sup>۳</sup>. درباره تأثیر شگرف و عجیب عدد چهل و عدد هفت، روایات بسیاری وجود دارد که بیان همه آنها در این مجال نمی‌گنجد.

#### ۴. اصل تحویل و تبدیل

اصل تحویل و تبدیل، یعنی بنا بر فرمایش قرآن «يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ»<sup>۴</sup>، خداوند

۱. ابن فهد حلی؛ عده الداعی؛ ص ۱۵۳.

۲. همان؛ ص ۲۳۲.

۳. بقره: ۲۶۹.

۴. فرقان: ۷۰.

بدی‌ها را به خوبی‌ها تبدیل می‌کند. در روایتی آمده است که عمرو بن ثابت در مدینه به رباخواری مشهور بود. او را به اسلام دعوت می‌کردند، قبول نمی‌کرد و می‌گفت من پول نزول به مردم می‌دهم. مسلمان شوم دیگر مردم نزول‌هایم را نمی‌دهند؛ چون می‌گویند اسلام نزول را حرام کرده است؛ یعنی به خاطر درآمدی که از طریق ربا داشت، اسلام نمی‌آورد. جنگ احد که پیش آمد، پشیمان شد. صورتش را می‌پوشاند تا او را نشناسند؛ چون انسان معروفی بود و مردم هم او را لعن و نفرین می‌کردند. خدمت رسول‌خدا ﷺ رسید و اجازه گرفت وارد میدان شود. شهادتین را گفت و وارد میدان شد. در همان جنگ هم به شهادت رسید. وقتی بر بالای پیکرش حاضر شدند و صورتش را باز کردند، دیدند عمرو بن ثابت است. تعجب کردند. رسول‌خدا ﷺ فرمود: «إِنَّهُ عَمِلَ قَلِيلاً وَأُجِرَ كَثِيراً إِنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛ عملش کم بود، ولی ثواب زیادی داشت و پاداشش هم بهشت بود. نه نمازی خواند، نه روزه‌ای گرفت، نه حجی رفت، نه زکاتی داد. فقط دو جمله گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. کار کم کرد، اما نمره کامل گرفت.

در روایتی، راوی می‌گوید در کاروانی که به حج رفته بودیم، پیرمرد با صفایی بود که از اهل سنت بود. بیمار شد؛ طوری که دیگر پایان زندگی‌اش نزدیک شد. از برادرزاده‌اش خواستم اجازه دهد او را به تشیع دعوت کنم. گفتم: عمری با این مذهب بوده، حالا هنگام احتضار این چه کاری است؟ من اصرار کردم و کنارش نشستم. با او درباره جریان غدیر و امامت امام علی ﷺ و سقیفه صحبت کردم. حرف‌هایم که تمام شد؛ چون به من اعتماد داشت، گفت همین را که تو می‌گویی، قبول دارم. سپس از دنیا رفت. او را دفن کردیم و وقتی به مدینه رسیدیم، خدمت امام صادق ﷺ رفتیم و جریان را برای امام تعریف کردیم. امام فرمود: «وَاللَّهِ هُوَ فِي الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى». فردوس بهترین جای بهشت است. یک جمله کوتاه شهادتین همه بدی‌هایش را به حسنات تبدیل کرد؛ طوری که در بهترین جای بهشت قرار گرفت.

##### ۵. اصل تولد

هیچ انسانی در طول زندگی‌اش به عقب و به‌خصوص به لحظه تولدش بر نمی‌گردد، مگر انسانی که به آنچه در روایات خاص در این زمینه عمل کرده باشد. روایات بسیاری داریم که اگر انسان یک عمل را انجام دهد، مثل این است که تازه از مادر

متولد شده است. برای مثال امام رضا علیه السلام فرموده است: «أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَهُوَ عَلَيَّ غُسْلٍ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»<sup>۱</sup>: «آگاه باشید کسی که با غسل زیارت، مرا زیارت کند؛ از گناهانش پاک می‌شود، همانند روزی که از مادر متولد شده است».

بنا بر روایات وقتی انسان از عرفه بر می‌گردد؛ مانند روزی است که از مادر متولد شده است. از زیارت امام حسین علیه السلام که بر می‌گردد؛ مانند روزی است که از مادر متولد شده است. حتی وقتی انسان تلاش و کوشش می‌کند تا حاجت و نیاز یک بیمار را بر آورده کند، خداوند گناهانش را طوری می‌آمرزد گویی الان از مادر متولد شده است: «مَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةِ قَضَائِهَا أَوْ لَمْ يَشْضِهَا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ»<sup>۲</sup>: «کسی که برای برآوردن حاجت شخص بیماری کوشش کند، خواه آن حاجت برآورده شود یا نه، همه گناهانش آمرزیده می‌شود؛ همانند روزی که از مادر متولد شده است». این قبیل روایات را مرحوم شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال آورده است.

در روایت آمده است حضرت موسی علیه السلام به خدا عرض کرد: «يَا رَبِّ مَا لِمَنْ غَسَّلَ الْمَوْتَى»: «ثواب کسی که مرده‌ای را غسل می‌دهد، چیست؟» خداوند فرمود: «أَغْسِلُهُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»<sup>۳</sup>: «او را طوری از گناهانش پاک می‌کنم گویا از مادر متولد شده است».

این الطاف خاص و ویژه را به ما وعده دادند؛ چون ما با اعمالی که انجام می‌دهیم، نمی‌توانیم بهشتی بشویم. در واقع دستمان خالی است، نه نماز قابل نازیدن داریم، نه روزه قابل بالیدن، نه انفاق به معنای واقعی انفاق و ... خداوند این راهکارها را گذاشته است برای اینکه بندگان بیشتری را به خود جذب کند.

#### نگاهی به شخصیت حضرت حمزه سیدالشهدا علیه السلام

سه شخصیت در اسلام داریم که خیلی مظلوم واقع شده‌اند: حضرت حمزه سیدالشهدا، حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه کبری.

حضرت حمزه سیدالشهدا، شخصیت بسیار والایی است تا آنجا که وقتی به شهادت

۱. شیخ صدوق؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۲، ص ۲۶۰.

۲. شیخ صدوق؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ ج ۴، ص ۱۶.

۳. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۶۴.

رسید، پیامبر ﷺ برایش گریه کرد. حضرت زهرا علیها السلام هر روز بر سر مزارش می آمد و می گریست. جبرئیل خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: حمزه در هفت آسمان معروف به سیدالشهدا، اسدالله و اسدالرسول است. امام سجاد علیه السلام بر فراز منبر شام به او بالیده است؛ حتی آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که ائمه علیهم السلام یا اصحاب یا مفسرین گفته اند که درباره حضرت حمزه نازل شده است؛ از جمله این آیه سوره احزاب که می فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»<sup>۱</sup> «از میان مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند». امیرالمؤمنین علیه السلام درباره شأن نزول این آیه فرمود: «نَزَلَتْ فِيَّ وَ فِي عَمِّي حَمْزَةَ وَ فِي ابْنِ عَمِّي عُبَيْدَةَ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَأَمَّا عُبَيْدَةُ فَقَضَىٰ نَحْبَهُ شَهِيدًا يَوْمَ بَدْرٍ وَ أَمَّا عَمِّي حَمْزَةُ فَإِنَّهُ قَضَىٰ نَحْبَهُ شَهِيدًا يَوْمَ أُحُدٍ وَ أَمَّا أَنَا فَأَنْتَظِرُ»<sup>۲</sup> «این آیه درباره من و عمویم حمزه و پسرعمویم عبیده بن حارث بن عبدالمطلب نازل شده است. اما عبیده در جنگ بدر به شهادت رسید. حمزه هم در جنگ احد به شهادت رسید، اما من در انتظار روزی هستم که به دست بدبخت ترین فرد امت به شهادت برسم و محاسنم از خون سرم رنگین شود».

عبیده بن حارث که از او هم کم اسم برده می شود، شخصیت بسیار بارزی است که با بلال عقد اخوت بسته بود. در جنگ بدر مجروح شد؛ به گونه ای که وقتی استخوان پایش شکست، استخوان از گوشت خارج شد و خون بسیاری از او رفت و به شهادت رسید.

مفسران ذیل آیه «هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ»<sup>۳</sup> این روایت را نقل کرده اند که آیه در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام، حمزه و عبیده نازل شده است. نکته جالب اینکه این روایت را مسلم و بخاری نیز در کتاب هایشان نقل کرده اند. در این آیه منظور از دو دشمنی

۱. احزاب: ۲۳.

۲. علی بن عیسی اربلی؛ کشف الغمه؛ ج ۱، ص ۱۹۰.

۳. حج: ۱۹.

که خدا می‌فرماید در مقابل هم ایستادند، شش نفر است: سه نفر از جبهه حق، یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام، حمزه و عبیده و سه نفر از جبهه باطل، یعنی شیبیه، ولید و عتبه که هر سه نفر آنها در بدر به درک واصل شدند. بنابراین حمزه، شخصیت بارزی است که باید بیشتر از او یاد شود. مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب سفینه البحار می‌گوید: مهم‌ترین شاخصه حمزه، نصرت خدا بود. زمانی از پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع کرد که حضرت در ضعف و سختی شدیدی بود. حمزه مقابل ابوجهل ایستاد و یک تنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع کرد. در واقع نقش حمزه نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله مانند نقش حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نسبت به امام حسین علیه السلام است.

امام سجاد علیه السلام فرمود: سه روز در اسلام بر ما اهل بیت، سخت گذشت: روزی که حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله به شهادت رسید. آن روز آنقدر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سخت گذشت که وقتی کنار پیکر حمزه رسید، فرمود: در هیچ جایی مانند امروز به من سخت نگذشت؛ عمویم را مثله کردند، قطعه قطعه کردند. سپس عبایش را روی بدنش کشید و عزای عمومی اعلام کرد. دومین روز، روز شهادت جعفر بن ابی طالب بود که دو مصیبت وارد شد: یکی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و یکی بر امیرالمؤمنین علیه السلام. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله خبر شهادت جعفر را به امیرالمؤمنین علیه السلام داد، امام فرمود: «الآن إنكسر ظهري...»: «بندهای کمرم از هم جدا شد». جعفر فرزند کوچک در خانه داشت. همسرش اسماء در مدینه بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خبر آورد دست‌های جعفر را از بدن قطع کردند. جعفر با زبان روزه به شهادت رسید؛ کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله به او می‌فرمود: «لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي». این تعبیری است که حضرت درباره امیرالمؤمنین علیه السلام به کار برده است.

سپس امام سجاد علیه السلام فرمود: روز سوم، هیچ روزی به سختی آن روز نبود «لا يوم كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ». امام فرمود: سی هزار نفر پدرم حسین علیه السلام را محاصره کردند. هر کسی سعی می‌کرد با یک ضربه‌ای به امام حسین علیه السلام، به خدا تقرب پیدا کند! روز سوم خیلی بر اهل بیت علیه السلام سخت گذشت؛ زیرا اگر از حمزه دختری باقی ماند، بلافاصله عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله سرپرستی‌اش را بر عهده گرفت؛ چون همسرش، خاله این دختر بود. اگر از جعفر فرزندی ماند، رسول خدا صلی الله علیه و آله بچه را روی زانو

نشانند، دست بر سر عبدالله جعفر کشید. هم بدن جعفر و هم بدن حمزه کفن شد، پیامبر ﷺ هفتاد تکبیر بر بدن حمزه گفت و نماز خواند، عزای عمومی اعلام کرد؛ اما برای ابی عبدالله علیه السلام ... در کنار گودال قتلگاه، دخترش را با تازیانه زدند. طبق گزارش‌های تاریخی بدن حمزه خیلی مجروح بود، اما بعد از شهادت هیچ جسارتی به پیکرش نشد؛ اما بعد از شهادت ابی عبدالله اسب‌ها بر پیکر حضرت تاختند....

نَحْنُ رَضَضْنَا الصَّدْرَ بَعْدَ الظَّهِرِ  
بِكُلِّ يَعْجُوبٍ شَدِيدِ الْأَسْرِ<sup>۱</sup>

---

۱. ابن نما حلی؛ مثیر الاحزان؛ ص ۷۸.